

نقد نظریه قائلان به تناسب سوره‌ها در قرآن

عبدالهادی فقهی‌زاده*

چکیده

اعتقاد به تناسب سوره‌ها - در هر دو شاخه اصلی آن؛ یعنی، ارتباط فرجام هر سوره با آغاز سوره بعد از خود و ارتباط مضمون میان سوره‌های پی در پی - عمدتاً مبتنی بر پذیرش توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها و قبول دلایل مربوط به آن است؛ حال آنکه دلایل مؤید این دیدگاه، از نظر علمی فاقد اتقان لازم‌اند و از این رو، از اثبات وقوع توقیف در ترتیب سوره‌ها ناتوانند؛ افزون بر آنکه، سوره‌ها به طور کلی در افاده معانی خود، به سوره‌های قبل یا بعد تعلق ندارند؛ بلکه در لابه‌لای هر کدام، موضوع یا موضوعاتی جداگانه به بحث نهاده شده‌اند که مستقل از دیگر سوره‌ها قابل ملاحظه و بررسی‌اند - هر چند همگونی‌هایی میان عموم سوره‌های قرآن از سوره‌های همجوار یا غیرهمجوار می‌توان یافت. همچنین جواز شرعی جا به جا تلاوت کردن آنها قرینه‌ای بر عدم وجود تناسب ذاتی میان آنهاست. علاوه بر آنکه با تأمل در بسیاری از تناسب‌های ادعایی و برنهادن آنها با همدیگر می‌توان به ذوقی و سلیقه‌ای بودن استنباط آنها پی برد؛ چندان که به نظر می‌رسد تناسب‌ها و شباهت‌های مورد ادعا در سوره‌های همسایه - که طرفداران نظریه تناسب سوره‌ها آنها را مسلم تلقی کرده‌اند - به اصول ثابت و قابل قبول اتکا ندارند. بر این اساس، دشوار بتوان وجوه تناسب پیش گفته و دلالت آنها بر معانی واقعی را پذیرفت و در نتیجه، صحت اصل نظریه تناسب سوره‌ها سخت محل تردید است.

واژگان کلیدی: ترتیب سوره‌ها، تناسب سوره‌ها و سوره‌های همجوار، علم تناسب.

طرح مسئله

نظم مصحف موجود، از حیث ترتیب سوره‌های آن، فی الجمله، برخلاف ترتیب نزول است؛ یا دست کم، چنان نیست که سوره‌ها، برحسب نزول پشت سر هم قرار گرفته باشند. بر این مبنا، دیدگاه‌های ناهمگونی درباره‌ی وجه ترتیب سوره‌ها در مصحف، میان دانشمندان به وجود آمده است. گروهی از محققان، نظم کنونی سوره‌ها را محصول اجتهاد صحابیان می‌دانند و به همین سبب، جست و جو کردن وجوه تناسب و هم پیوندی میان آنها را بی‌فایده و غیرعلمی تلقی می‌کنند، در مقابل، عدّه‌ای دیگر از تناسب و همبستگی مفهومی و لفظی سوره‌ها با همدیگر در جایگاه فعلی مقرر برای آنها در مصحف عثمانی، سخن می‌گویند و وجوه متنوع و متفاوتی را در پیوند با چگونگی تناسب سوره‌های همجوار به دست می‌دهند؛ وجوهی که در موارد بسیار ناهمخوان و غیرمتجانس می‌نمایند؛ یا حلقه‌های ارتباط میان آنها به آسانی آشکار نیست و استنباط لااقل بعضی از آنها ذوقی و غیرعلمی به نظر می‌رسند. از این رو، تأمل در چند و چون نظریه‌ی تناسب سوره‌ها و تحلیل انتقادی دلایل طرفداران آن ضروری است. بنابراین، در نوشتار حاضر، در وهله‌ی نخست به بیان مهم‌ترین مستند علمی قائلان به نظریه‌ی مزبور می‌پردازیم و وزن آن را بر اساس دلایل قائلان به آن، از منظر نقد علمی می‌شناسانیم؛ آنگاه جوانب اصلی نظریه‌ی تناسب سوره‌ها را در ضمن تقسیم‌بندی روشنی نشان می‌دهیم؛ آنها را با نمونه‌هایی از تناسب‌های ادعا شده، همراه می‌کنیم و سرانجام می‌کوشیم با توجه دادن به نکاتی در خور تأمل، در اعتبار مستند نظریه‌ی مورد بحث و واقعی بودن وجوه آن در اقوال مفسران، تردید کنیم.

مستند قائلان به نظریه‌ی تناسب سوره‌ها

بی‌گمان مهم‌ترین دلیل و مستند قائلان به نظریه‌ی تناسب سوره‌ها، اعتقاد به توقیفی بودن ترتیب آنها در مصحف است؛ زیرا فقط با این فرض است که می‌توان وجود پاره‌ای مناسبت‌های واقعی در این میان را تصدیق کرد. بر این اساس، معتقدان به این دیدگاه، همواره بر این نکته پافشاری کرده‌اند که نظر به اعتقاد آنان مبنی بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها به وجود ارتباط و تناسب میان آنها قائل شده‌اند (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۶۴؛ سیوطی، ۱۴۰۶: ۶۱؛ مصطفی مسلم، بی‌تا: ۶۹). جالب اینکه صبحی صالح معتقد است

حتی ایمان به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها نیز لزوماً به این معنا نیست که بین سوره‌های همجوار، رشته‌های پیوند وجود داشته باشد (صبحی صالح، ۱۳۶۸: ۱۵۲-۱۵۱).

دلایل طرفداران توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها و نقد آنها

طبعاً طرفداران دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها، اعتقاد خود در این زمینه را به وجوه گوناگونی مدلل کرده‌اند که طرح و بررسی تفصیلی همه آنها مجال دیگری می‌طلبد از این رو، ما به اختصار، به نقل و نقد مهم‌ترین آنها به شرح زیر اکتفا می‌کنیم:

۱. نخستین دلیل آنان مسئله قرائت، ختم و آموزش قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) است که ناگزیر از جایی مشخص آغاز شده و به نقطه‌ای معین پایان می‌یافت، از این رو، باید حکم کرد که در آن دوران ابتدا و انتهای مشخصی برای قرآن وجود داشته است که خواه ناخواه به صلاحدید پیامبر (ص) صورت گرفته است (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۶۱). بر پایه این اعتقاد، جابه جا کردن سوره‌ها، نظم قرآن را تباه می‌کند (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۲۹).
- در صورتی که همواره در امر آموزش و قرائت قرآن ممکن است یک، دو یا چند سوره مبنا قرار داده شوند و بقیه آنها فروگذار گردند. از سوی دیگر، چون در دوران حیات پیامبر (ص) پیوسته انتظار نزول وحی می‌رفته، نمی‌توان ختم قرآن را در این عصر جز به معنای تلاوت سوره‌هایی قلمداد کرد که تا آن زمان تشکل یافته بودند؛ افزون بر آنکه در روایات، از ترتیب قرائت سوره‌ها در حضور رسول خدا (ص) خبری نیست تا بتواند به مثابه دلیلی بر توقیفی بودن چینش سوره‌ها اتخاذ گردد.
۲. دومین دلیل آنان نیز عرضه قرآن از سوی پیامبر (ص) است که هر سال، یک بار و در سال حجه‌الوداع دوبار انجام گرفت (سیوطی، ۱۴۰۶: ۵۷).

در عین حال و به رغم اینکه عرضه قرآن بارها در احادیث مطرح شده (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۶۲؛ میرمحمدی، ۱۴۰۰: ۸) در هیچ یک از آنها، از ترتیب عرضه و لزوم پایبندی به آن سخن نرفته است؛ تا دیگران به پیروی از آن مأمور باشند؛ گو اینکه حتی اگر پیامبر (ص) در عرضه خود، ترتیب ویژه‌ای را رعایت کرده بودند، مادام که از طرف ایشان حکمی خاص درباره‌ی لزوم پیروی از آن صادر نشده بود، تبعیت از آن ترتیب واجب نبود.

۳. دلیل دیگر، حالت خاصی است که بر چینش سوره‌ها حاکم است؛ یعنی: توالی «حوامیم» و سوره‌هایی که با «الر» آغاز شده‌اند، جدائی «مسیحات»، قرار گرفتن سوره

«طس» میان دو سوره «طسم شعراء» و «طسم القصص» و فاصله شدن سوره «المطففين» در میان سوره‌های «الانفطار» و «الانشقاق»؛ به این معنا که اگر ترتیب سوره‌ها توقیفی نبود، می‌بایست «مسیحات» پشت سر هم می‌آمدند؛ «طس» پس از «قصص» ذکر می‌شد و «مطففين» قبل از انفطار یا بعد از «انشقاق» قرار می‌گرفت و میان سوره‌های مشتمل بر «الر» فاصله می‌افتاد. (سیوطی، ۱۴۰۶، ۶۰)^(۱)

حال آنکه هیچ گونه تلازم منطقی میان مقدمه و نتیجه این سخن وجود ندارد و دلیلی که در ضمن آن ادعا شده؛ یعنی، عدم وجود ملاک مشخص در ترتیب سوره‌های مصحف عثمانی، نمی‌تواند توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها را اثبات کند.

۴. یکی دیگر از این قبیل دلایل، روایتی است از آبی بن کعب از پیامبر (ص) که در آن، سوره‌های قرآن را یک یک به ترتیب فعلی نام برده است و پیامبر (ص) ثواب قرائت سوره‌ها را بیان کرده‌اند؛ یعنی، چون از لسان پیامبر (ص) ثواب قرائت سوره‌ها به ترتیب کنونی ذکر شده، طبقاً نظم سوره‌ها به اشاره وحی صورت پذیرفته است (شریعتی، بی‌تا: ۲۰).

گفتنی است علیرغم وثاقت آبی بن کعب (ر.ک. قهبائی، بی‌تا، ج ۱: ۸۳، تستری، ج ۱: ۳۵۲، خونی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶۵-۳۶۴؛ اردبیلی، ۱۳۳۴، ج ۱: ۳۹) گروهی از دانشمندان، این روایت را به صراحت «موضوع» دانسته‌اند که دیگران آن را ساخته و به او نسبت داده‌اند. (قرطبی، ج ۱: ۷۹-۷۸، خونی، بی‌تا: ۲۹-۲۸) و از این رو، بالطبع نمی‌توان برای اثبات یا رد مسأله‌ای به آن استناد جست.^(۲)

انواع تناسب سوره‌ها از نظر قائلان به این نظریه

دقت در آنچه قائلان به نظریه تناسب سوره‌ها در مقام تبیین و اثبات دیدگاه خود مطرح کرده‌اند، گویای وجود دو نوع اصلی از تناسب و ارتباط سوره‌ها با همدیگر است که ما در ادامه، آنها را همراه با چند نمونه از نظر می‌گذرانیم:

الف. ارتباط فرجام هر سوره با آغاز سوره بعد از خود

سیوطی به نقل از کواشی می‌نویسد:

«چون خداوند سوره نساء را با فرمان به توحید و رعایت عدالت در میان بندگان ختم کرد، در آیه اول سوره مائده بر این نکته تأکید نهاد و فرمود: یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱۱).

همو در موضعی دیگر می‌گوید:

«وجه اتصال آغاز سوره «ص» به پایان سوره «زمر» آشکارا معلوم است. زیرا در آخر سوره «ص» آمده است: «ان هو الا ذکر للعالمین» و در آیه نخستین سوره «زمر» می‌خوانیم: «تنزیل الكتاب من الله»؛ گویی در حقیقت گفته شده است: هذا الذکر تنزیل. این پیوستگی به اندازه‌ای وثیق و تنگاتنگ است که اگر بسمله را از میان آن دو حذف کنیم، مانند آیه‌ای واحد جلوه می‌کنند (سیوطی، ۱۴۰۶: ۱۱۴).

فخررازی نیز درباره چگونگی ارتباط سوره عنکبوت با سوره قصص معتقد است که در این باره می‌توان بر چند وجه سخن گفت:

الف - چون خداوند در آیات پایانی سوره قصص در مورد بازگشت پیروزمندانۀ پیامبر (ص) به مکه که با تحمل مشقت‌های جنگ و جهاد همراه بود، فرمود: «ان الذی فرض علیک القرآن لراذک الی معاد»، در آغاز سوره عنکبوت نیز فرمود: «انم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا» یعنی آیا مردم گمان می‌کنند به خود وانهاد می‌شوند که تنها بگویند ایمان آورده‌ایم و به جهاد فرمان داده نمی‌شوند؟

ب - مسلمانان در اواخر «قصص» مأموریت یافته‌اند مردم را به راه خداوند دعوت کنند که: «ادع الی ربک» و در واقع موظف شده‌اند که اگر کافران پس از دعوت، به راه حق نیامدند، یا آنان کارزار کنند. از این رو و از آنجا که جهاد بر گروهی از مسلمانان سخت و گران بود، در آیه نخست سوره عنکبوت فرمود: «احسب الناس ان یترکوا».

ج - پس از آنکه خداوند در آخرین آیه قصص فرمود: «کل شیء مالک الا وجهه» و به دنبال آن، دیدگاه منکران معاد را مردود شمرد که: «له الحکم و الیه ترجعون» و در آغاز سوره عنکبوت فرمود: «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا»؛ یعنی برخلاف اعتقاد منکران رستخیز که هیچ فایده‌ای بر تکالیف شرعی مترتب نمی‌دانند، وظایف دینی، نافع و سودمندند؛ زیرا از رهگذر آنها شکرگزاران، پاداش و ناسپاسان، کیفر می‌یابند و بدون عمل نیک، هیچ کس به پاداش نمی‌رسد» (فخررازی، ۱۴۱۱، ج ۲۵: ۲۳).

در مجمع البیان نیز درباره کیفیت ارتباط «مائده» با «انعام» آمده است:

«پس از آنکه خداوند، سوره مائده را با آیه «هو هو علی کل شیء قدیر» ختم کرد، نخستین آیه سوره انعام را آیه‌ای قرار داد که نشان دهنده قدرت کامل خداوند در آفرینش آسمان و زمین است: «الحمد لله الذی خلق السموات و الأرض و جعل الظلمات

و النور» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۲۲).^(۳)

جالب این که یکی از دانشمندان وجهی را که سیوطی درباره کیفیت اتصال آغاز سوره بقره با سوره حمد بیان کرده، پندار گونه خوانده است (صالح، ۱۳۶۸: ۱۵۶). سیوطی در این خصوص نوشته است:

«آغاز کردن سوره بقره با «ألم، ذلک الکتاب...» به خاطر اشارهای است که در ضمن آن به «اهدنا الصراط المستقیم» رفته است؛ گویی وقتی از خداوند خواستهایم که ما را به راه راست هدایت کند، پاسخ شنیده‌ایم که راه راست همان راه قرآن است (سیوطی، ۱۴۰۶، ۶۵-۶۴، بی تا، ج ۲: ۱۱۲).

ب. ارتباط مضمونی سوره‌های پی در پی

سیوطی در پیوند با این تئوری نوشته است:

«یکی از اصولی که قرآن بر طبق آن رفته، آن است که هر سوره، تفصیل یافته و شارح مطالبی است که به اجمال در سوره پیشین ذکر شده است. این وضعیت در غالب سوره‌های کوتاه و بلند قرآن قابل ملاحظه است» (سیوطی، ۱۴۰۶: ۶۵).

گروهی از مفسران نیز در مقام تطبیق نظریه مزبور، سخنانی در خصوص چگونگی ارتباط مضمونی سوره‌های پی در پی اظهار کرده‌اند که در این نوشتار توجه به نمونه‌هایی از آن لازم به نظر می‌رسد. از جمله آلوسی راجع به مناسبت مضمونی سوره اعراف با سوره پیش از آن، گفته است:

«چون در سوره انعام از مسئله خلقت سخن رفت و در آن این آیه آمد که: «وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ» و نیز درباره مردمان قرون گذشته فرمود: «كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ» و سپس از پیامبران یاد نمود ... پس از آن در سوره اعراف به تفصیل و شرح آن مطالب پرداخت؛ داستان آدم را بسط داد و قصص پیامبران و اقوام آنان و چگونگی هلاکشان را تفصیلاً بیان کرد» (آلوسی، بی تا، ج ۸: ۶۵-۶۴).

مؤلف التفسیر الواضح نیز درباره وجه مناسبت سوره انعام با سوره مائده، ادعا می‌کند: «در سوره مائده با اهل کتاب مجاحه شده است و در سوره انعام با مشرکان. مائده از آنجا که از آخرین سوره‌های نازل شده است، محرمات را به تفصیل بیان نموده و انعام آنها را به اجمال و به صورت کلی یاد کرده است» (حجازی، ۱۹۸۲، ج ۱: ۲۵۸).

صاحب تفسیر نوین نیز درباره چگونگی ارتباط سوره بلد با سوره فجر معتقد است:

«به نظر ما تناسب بین دو سوره بسیار است؛ زیرا اولاً هر دو سوره در مقام تسلیت و آرامش روحی بخشیدن به پیغمبر است. ثانیاً در آن سوره، سوگند به زمان فریضه حج بوده و در این سوره، قسم به مکان آن است. ثالثاً در آن سوره، از ستمگری‌ها و تبهکاری‌های اقوام گذشته و جنایات صاحبان زر و زور نسبت به عموم، حتی به پیغمبران‌شان به تصریح یاد شده و در این سوره، از توانگران قریش به کنایه و اشاره، رابعاً در آن سوره، از پندارهای بیجا و قضاوت‌های غلط دنیاپرستان و به ویژه غرور و خودخواهی ثروتمندان نام برده و آنها را تخطئه کرده است و در این سوره نیز، خامساً در هر دو سوره از مال دوستی و عدم توجه به بینوایان و یتیمان نکوهش فرموده است. سادساً در هر دو سوره، از دو دسته کافر و مؤمن یاد کرده و بدکاران و کفار را از آتش دوزخ بیم داده است» (شریعتی، بی تا: ۱۸۸-۱۸۷).

همو تناسب سوره‌های عبس و نازعات را چنین بیان می‌کند:

۱. در این سوره، از سر و کار داشتن پیغمبر اسلام با مشرکان قریش و دعوت و تبلیغ آن بزرگوار و ترمذ و طغیان آنان گفتگو می‌شود و در سوره پیش، از سر و کار موسی با فرعون و دعوت و تبلیغ موسی و طغیان و ترمذ فرعون سخن رفته است؛ و در این سه سوره (نبأ، نازعات و عبس)... منشأ همه مفساد و سب عموم اصلاحات به مسلمین شناسانده شده است و همین طبقه می‌باشد که در سوره (نبأ) به نام سرکشان (طاغین) یاد شد و در سوره (النازعات) نمونه بارز و مشهورشان که فرعون طاغی باشد، معرفی گردید و در این سوره به عنوان مردم مستغنی (من استغنی) از آنها بحث می‌شود و لجاجت و خودخواهی و حق‌ناپذیری این دسته را خداوند بیان نموده و در صورت خطاب و عتاب به پیغمبر، تکلیف مسلمان‌ها را با آنها معلوم می‌دارد و از اعتناء و احترام نسبت به چنین گروهی منع می‌فرماید.

۲. در هر دو سوره از انکار کفار و روی گرداندنشان از دین و باور نداشتن رستخیز و حساب و کتاب، نکوهش فرموده و از شدت قیامت و شکنجه دوزخ بیمشان می‌دهد.

۳. در هر دو سوره از فرشتگان یاد و تجلیل شده است؛ در این سوره به عنوان (سفره کرام) و در آن سوره به صورت سوگند به آنها (بر یکی از وجوه معانی آیات).

۴. در هر دو سوره، بر اثبات آفریدگار استدلال شده و از آفرینش انسان و کیفیت فراهم آمدن روزی او و موجبات آسایش و ادامه حیاتش گفتگو شده است.

۵. در هر دو سوره از شدائد و سختی‌های توانفرسا و سهمگین رستاخیز و از تقسیم مردم به نیک و بد و بهشتی و دوزخی سخن رفته است و در حقیقت، هر دو سوره نظیر یکدیگرند» (همان: ۵۱).

مؤلفان تفسیر کاشف نیز تناسب مضمونی دو سوره بقره و آل عمران را چنین بیان کرده‌اند:

۱. هر دو با حروف مقطعه «الم» آغاز می‌گردند.

۲. هر دو با ذکر کتاب شروع می‌شوند.

۳. اولین قسمت سوره بقره راجع به انواع مردم در برابر هدایت قرآن؛ یعنی متقین، کافرین و منافقین است و اولین قسمت از سوره آل عمران راجع به عالم‌نماهایی است که رو در روی راسخان و ره‌یافتگان به ژرفای علم، با دید محدود و مادی خود دست به تأویل آیات متشابه می‌زنند و در راه انحراف می‌پویند.

همچنین قسمت اول این سوره، مردم را در برابر مفاهیم عالیة قرآن به سه دسته تقسیم می‌کند: راسخان در علم (مؤمنان)، اهل تأویل و فتنه (منافقان)، تکذیب کنندگان (کافران).

۴. در هر دو سوره، با اهل کتاب احتجاج می‌کنند؛ با این تفاوت که سوره بقره بیشتر به بنی‌اسرائیل و سوره آل عمران بیشتر به مسیحیان پرداخته است.

۵. سوره بقره، مسئله آفرینش آدم^(ع) بدون پدر و مادر و سوره آل عمران، آفرینش عیسی^(ع) بدون پدر را خاطر نشان می‌سازند و آدم ثانی را به آدم اول تشبیه می‌نمایند.

۶. همان طور که بخش‌هایی از سوره بقره به بیان احکام الهی اختصاص یافته، در این سوره نیز بخش‌هایی در بیان احکام و حدود الهی است.

۷. هر دو سوره با دعا و نیایشی مناسب با مطالب سوره به منظور خودسازی پایان می‌گیرد. سوره بقره با اثبات فلاح و رستگاری برای متقین شروع می‌شود و سوره آل عمران با اثبات فلاح و رستگاری برای متقین پایان می‌پذیرد.

ذَلِكِ الْكِتَابِ لِارْتِبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره، آیه ۱).

و اتقوا الله لعلکم تفلحون (آل عمران، آیه ۲۰۰).

۹. قسمتی از آیات سوره بقره مربوط به مسائل کلی جهاد و نبرد با کفار است و بدین‌سان بخش گسترده‌ای از سوره آل عمران نیز به تأویلی از حقایق پشت پرده جنگ اختصاص دارد. در سوره بقره به اجمال می‌فرماید: «جنگ بر شما مقرر شده اما مورد اکراه شماست، ولی چه بسیار چیزهایی که مورد اکراه شما هستند و در واقع برای شما

خیرند». بخش پنجم سوره آل عمران، این مطلب را به تفصیل تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه جنگ با همه مصائب و سختی‌ها و شکست‌ها و شهادت‌ها خیر است.

۱۰. خداوند در سوره بقره، مسلمین را با تعبیر (یا ایها الذین آمنوا...) مخاطب قرار می‌دهد و آنان را از گام نهادن در جهت استقلال و خلافت زمین آگاه می‌سازد و در سوره آل عمران، با پنج خطاب (یا ایها الذین آمنوا) به امت اسلامی انسجام می‌دهد و آنان را از عوامل ضعف داخلی و خارجی برحذر می‌دارد و به وحدت و همبستگی فرا می‌خواند.

۱۱. هر دو سوره تحدی می‌کنند: سوره بقره از اهل بیان و قلم می‌خواهد که اگر می‌توانند همانند قرآن و مطالبی شبیه به کلام الله بیاورند و در سوره آل عمران از غلوکنندگان درباره عیسی، کلمة‌الله می‌خواهد که مباحثه کنند تا معلوم شود چه کسی راست می‌گوید و چه کسی دروغ.

۱۲. هر دو سوره، به مناسبت‌هایی به مسائل اقتصادی مخصوصاً مسئله ربا، نفاق، بخل و غیره پرداخته‌اند.

۱۳. هر دو سوره، راجع به اثبات نبوت و پیامبری حضرت محمد^(ص) دلایل جالبی آورده‌اند. در سوره بقره با این استدلال که حضرت محمد^(ص) از ذریة صالح حضرت ابراهیم^(ع)، ادامه دهنده راه وی می‌باشد و نیز با اعجاز قرآن و تحدی (بقره، آیه ۲۳) و در سوره آل عمران با تأویل و تشبیه قرآن و پیامبر به عیسی و مریم.

۱۴. القای کلمه و کلمات در هر دو سوره به چشم می‌خورد. در سوره بقره کلماتی را خداوند به آدم القاء می‌کند که با آن به درگاه خداوند توبه به جا می‌آورد: (فتلقى آدم من ربه کلمات) و نیز در همین سوره، حضرت ابراهیم با کلمات مورد آزمایش قرار می‌گیرد و در سوره آل عمران، کلمة‌الله به حضرت مریم القاء می‌گردد و به وی بشارت داده می‌شود.

۱۵. خداوند در هر دو سوره، مردم را به توحید خالص و دین حنیف ابراهیم - سرچشمه ادیان توحیدی - دعوت می‌کند تا همگی پیرامون این محور مشترک، گرد هم آیند. در سوره بقره، از یهود و در سوره آل عمران از مسیحیان می‌خواهد که دست از خود برترینی بردارند و به سرچشمه توحید ناب بازگردند و این دو گروه باید بدانند که مسلمانان پیرو آنان نبوده، بلکه مستقل هستند.

۱۶. از اهداف و محورهای اساسی هر دو سوره، رسیدن به مرحله عالی اسلام به معنای مطلق کلمه با اخلاص و تسلیم خود و عزیزان خود، به خداست.
۱۷. این دو سوره، «زهران» نامیده شده‌اند؛ چرا که در میان سوره‌های قرآن همچون دو گوهر تابناک می‌درخشند» (حجتی، بی‌آزار، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۲-۲۰).
- آنان همچنین راجع به چگونگی ارتباط سوره‌های نساء و مائده گفته‌اند:
۱. سوره نساء مشتمل بر یک سلسله عقود و پیمان‌های صریح و ضمنی است؛ پیمان‌های صریح: مانند عقد نکاح، عقد صدق، عقد حلف، عقد معاهده و امان ... عقود ضمنی: مانند وصیت، ودیعه، وکالت، عاریه، اجاره و امثال آنها که همگی زیر پوشش تعبیر عام (ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها) مد نظر هستند.
 ۲. عمده مطالب سوره مائده بر محور محاجه و استدلال با یهود و نصاری طراحی شده و از منافقان و مشرکان نیز در آن سخن رفته است و ... همین مطالب در سوره نساء نیز مطرح بود که در پایان این سوره گسترده‌تری می‌یابد. این رابطه را باید مهم‌ترین پیوند این دو سوره و بارزترین چهره‌های آن دو برشمرد. هر سخنی که در این سوره بیان شده، متمم مطالبی است که در سوره نساء جلب نظر می‌کند.
 ۳. در هر یک از این دو سوره، پاره‌ای از احکام عملی در باره عبادات و حلال و حرام گوشزد شده است که در بسترهای مشترکی قرار دارند. این بسترهای مشترک عبارت است از آیه‌های وضو و تیمم و نیز حکم مربوط به حلال بودن زنان پاک دامن؛ با این تفاوت که در سوره مائده، قانون حلیت زنان پاک دامن از اهل کتاب نیز افزون است؛ به همین جهت می‌توان آن را مکمل سوره قبلی دانست.
- نیز یکی از بسترهای مشترک این دو سوره عبارت است از مطالب مربوط به وصایا که درباره آنها فرمان قیام به قسط و عدل و شهادت بر اساس عدالت - بدون روا داشتن هیچگونه تبعیض و اجحاف - آمده و بدین سان در هر دو سوره به تقوا توصیه و سفارش شده است.

۴. یکی از نکات ظریفی که چهره‌های همگون این دو سوره را تصویر می‌کند، این است که سوره نساء، راه را برای تحریم خمر آماده و هموار می‌سازد و سوره مائده برای همیشه و با قاطعیت آن را تحریم می‌کند. اما برای اینکه این دو چهره از هم مشخص گردند، در سوره مائده اختصاصاً احکام معدودی درباره خوراکی‌ها، صید و شکار، احرام، متجاوزان و مفسدان، حد سرقت، کفاره سوگند و امثال آنها مطرح است؛ ولی سوره نساء از آن جهت دارای ویژگی و امتیاز نسبت به سوره مائده می‌باشد که احکام زنان و ارث و قتال در آن بازگو شده؛ احکامی که هنگام نزول آنها ابلاغشان سخت مورد نیاز جامعه بوده است (همان، ج ۳: ۲۷-۲۸).

در البرهان فی علوم القرآن نیز یکی از لطایف سوره کوثر در این نکته دانسته شده که همچون قرینه مخالف سوره قبل از خود، ماعون، ظاهر شده است؛ چه، در سوره «ماعون» منافقان با چهار ویژگی: بخل، ترک نماز، ریا و ممانعت از زکات توصیف شده‌اند و در سوره «کوثر» در مقابل بخل، «انا اعطیناک الکوثر» (کوثر = خیر کثیر) آمده است و در برابر ترک نماز «فصل» و در برابر ریا، «لربک» و در مقابل منع زکات، «و انخر». (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۶۵).^(۳)

نقد کلی انواع تناسب سوره‌ها

اکنون با توجه به همین چند نمونه از سخنان مفسران در زمینه تناسب و ارتباط سوره‌های همجوار، شاید بتوان دریافت که در نگاه طرفداران نظریه تناسب سوره‌ها، قرآن کریم به مثابه صحیفه‌ای است که با «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین» آغاز شده و به «من الجنة و الناس» پایان یافته است و مناسبت‌های ظاهری و مضمونی، سراسر آن را فرو پوشانده است؛ چندان که بسم الله الرحمن الرحیم در همه جا به جز در اول سوره حمد، برای رفع خستگی یا دلایلی از این دست، میان سوره‌های مرتبط و به هم پیوسته، فاصله انداخته است. اگر چنین باشد مرتبط انگاشتن آغاز و فرجام سوره‌ها به هم، چه معنایی دارد و کدام ضرورت آن را اقتضا کرده است؟

افزون بر اینکه اساساً سوره‌ها در افاده معنای مراد، تعلق به سوره‌های قبل یا بعد از خود ندارند؛ بلکه در هر کدام از آنها موضوع یا موضوعات جداگانه‌ای به بحث نهاده شده‌اند که مستقل از سوره‌های دیگر قابل بررسی‌اند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد صرف

اینکه از جانب شرع مقتضی جایز است سوره‌های قرآنی را جا به جا تلاوت کرد و در قرائت، پیروی از ترتیب موجود آنها در مصحف لازم نیست، خود نشانه و قرینه‌ای است که میان سوره‌ها ذاتاً تناسبی وجود ندارد.

از اینها گذشته، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین خرده‌ای که بر این قبیل تناسب‌های ادعا شده، می‌توان گرفت آن است که قابل اثبات نیستند و به اصول پذیرفته شده‌ای اتکا ندارند که بتوان آنها را با دلایل و شواهد در خور توجه قبول کرد؛ علاوه بر آنکه شباهت‌های موجود میان سوره‌های غیرهمجوار، در مواردی، برخی از دانشمندان را واداشته است که بین آن دو سوره غیرهمسایه، رابطه‌های ظاهری و معنایی برقرار کنند. برای نمونه، علامه طباطبائی در آغاز تفسیر سوره تغابن که در ترتیب مصحف، هفتمین سوره پس از سوره حدید است، می‌نویسد:

«سیاق و نظم آیات این سوره همچون سوره حدید است و گویی چکیده مطالب آن به شمار می‌رود» (طباطبائی، ۱۴۱۲، ج ۱۹: ۲۹۴).

بنابر این، شباهت‌هایی که طرفداران نظریه تناسب سوره‌ها ردیف کرده‌اند، نمی‌توانند به سوره‌های همجوار اختصاص داشته باشند، بلکه در مواردی حتی در سوره‌های دور از هم، بیشتر قابل رؤیت‌اند؛ به این معنا که چون تمامی سوره‌ها در برآوردن هدف عمومی قرآن (هدایت انسان) با هم مشترکند، بالطبع در لوازم رسیدن به این غرض، همگونی‌ها و مشابهت‌هایی یافته‌اند که اگر بتوان آنها را اثبات کرد، قطعاً به سوره‌های متوالی اختصاص ندارند؛ زیرا میان برخی سوره‌های دیگر نیز که بر حسب اتفاق کنار هم قرار داده شوند می‌توان شبیه چنان همگونی‌هایی را بیش و کم در ذهن خود پروراند و آنها را در پیوند با سوره‌های مورد نظر، ادعا کرد.

بر این اساس، به نظر می‌رسد آنچه مفسران با عنوان وجوه تناسب سوره‌های همجوار ابراز کرده‌اند، سلیقه‌گرایی‌ها و تذوق‌هایی توجیه‌گرانه است که بر معانی واقعی و اصیل دلالت ندارند؛ چنان که آیت‌الله معرفت می‌نویسد:

«همان هر سوره و سوره‌های قبل و بعد از آن هیچ مناسبت جوهری و ذاتی وجود ندارد؛ جز آنچه گروهی از مفسران، متکلفانه در این زمینه بیان کرده‌اند که [البته] دستاویزی باطل است» (معرفت، ۱۳۹۷، ج ۱: ۲۲۴).

نتیجه‌گیری

گروهی از مفسران مبتنی بر پذیرش دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها، به اصل وجود تناسب میان سوره‌های همجوار نیز قائل شده‌اند که شاخه‌های اصلی آن در «ارتباط فرجام هر سوره با آغاز سوره بعد از خود» و «ارتباط مضمونی میان سوره‌های پی در پی» متبلور است. وجود تناسب میان سوره‌های قرآنی از هر نوع، طبعاً منوط به اعتبار علمی دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها در مصحف است؛ حال آنکه چنین شرطی محقق نیست و از این رو، نظریه تناسب سوره‌ها فاقد استناد لازم برای اثبات آن است؛ به ویژه آنکه با تطبیق و مقایسه پاره‌ای از وجوه مناسبت ادعا شده با همدیگر، می‌توان به سلیقه‌ای و ذوقی بودن آنها پی برد. در عین حال، وجود برخی از شباهت‌های مورد نظر طرفداران این نظریه، میان سوره‌هایی از قرآن - اعم از سوره‌های همجوار یا دور از هم - قابل انکار نیست؛ که در صورت اثبات شدن آنها البته به سوره‌های همسایه اختصاص ندارند. بر همین مینا، نظریه تناسب سوره‌ها، با توجه به شواهدی که در متن مقاله حاضر بیان گردید، مخدوش به نظر می‌رسد و بر این اساس، اعتبار لازم را ندارد.^(۹)

پی‌نوشت

۱. زرکشی در مقام بیان دلایل توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها می‌نویسد:

«برای ترتیب موجود سوره‌ها در قرآن کریم ملاک‌هایی وجود دارد که نمایانگر توقیف در ترتیب آنها از سوی شخصی حکیم است؛ گاهی بر اساس حروف، پشت سر هم قرار گرفته‌اند؛ چنان که در حوامیم می‌بینیم و گاه بنابر موافقت معنایی اول یک سوره با پایان سوره قبل، مانند آخر حمد و اول بقره و زمانی نیز به علت هماهنگی در وزن و ترتیب، مانند آخر «تبت» و اول «اخلاص» و سرانجام گاهی بر اساس وجود شباهت کلی مطالب دو سوره پی در پی، مانند «والضحی» و «الم نشرح» (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۲۹)، یعنی ترتیب سوره‌ها بر پایه ملاک‌ها و معیارهایی است که با دقت در وجه تناسب آنها با همدیگر قابل فهم‌اند.

حتی با این فرض و در نتیجه قائل شدن به آنکه در پشت نظم حاکم بر نحوه تنظیم سوره‌ها، معیارهایی حکیمانه نهفته است که بدون تکلف می‌توان آنها را شناخت، به چه دلیل می‌توان رعایت این موازین را به پیامبر^(ص) نسبت داد؟ به این معنا که آیا به راستی ممکن نیست گروهی از صحابه بر چنین نظمی اتفاق کرده باشند؟

۲. همچنین برای آگاهی از نمونه‌های دیگر نک: سیوطی، ۱۴۰۶: ۱۰۴؛ حجتی، بی‌آزار، ۱۳۶۳، ج ۷: ۱۷.
۳. همچنین برای آگاهی از نمونه‌های دیگر نک: همان، ج ۳: ۲۳۱-۲۳۲؛ ج ۴: ۷۹۴، ج ۶: ۶۹۱؛ مصطفی مسلم، بی‌تا، ۸۲-۸۳.
۴. یکی دیگر از نشانه‌هایی که بر عدم اعتبار این روایت دلالت دارد آن است که در مصحف آبی کعب سوره‌های مریم، حج و شعراء - که در مصحف عثمانی پس از سوره یوسف قرار دارند - بر آن مقدم افتاده‌اند (زنجانی، ۱۴۰۴، ۸۸؛ معرفت، ج ۱: ۲۶۴).
۵. نگارنده، دیدگاه اصلی مطرح در مقاله حاضر را نخستین بار در یکی از فصول کتاب پژوهشی در نظم قرآن (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴) نشر داده است و آنچه اکنون در این نوشتار - در قالب مقاله‌ای تازه و با برخورداری از ویژگی‌های امروزی مقالات علمی - عرضه می‌کند پردازش، تنظیم مجدد و صورت تقویت یافته همان نوشته، همراه با افزایش و کاهش در بخش‌هایی از آن است. با این همه، طرح دوباره موضوع، غیر از اهمیت علمی آن، متأثر از انعکاس جوانب اصلی محتوا و ساختار و حتی عین بسیاری از عبارات آن در یک «اثر» نسبتاً جدیدالانتشار است که مؤلف محترم آن متأسفانه چنین وانمود کرده است که گویی این بخش از کتاب وی، اصالتاً محصول پژوهش خود اوست. شگفت آنکه برخی از سایر بخش‌های کتاب «پژوهشی در نظم قرآن» نیز بیش و کم، به همین ترتیب، در اثر مورد نظر انعکاس یافته است - هر چند مؤلف محترم آن زیرکانه کوشیده است در مواردی خاص، با چند ارجاع، مراتب امانت‌داری و آگاهی خود را از کتاب پژوهشی در نظم قرآن و منابع علمی آن نشان دهد! برای تطبیق اثر مزبور با پژوهشی در نظم قرآن رک. درس‌هایی از علوم قرآنی (طاهری، ۱۳۸۲).

منابع

- اردبیلی، محمد بن علی (۱۳۳۴ق) جامع الرواة ازاحة الشبهات عن الطرق و الأسناد، بی‌جا، ج ۱، شرکت چاپ رنگین.
- الوسی، محمود (بی‌تا) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تهران، ج ۸، انتشارات جهان.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ حجتی، محمدباقر (۱۳۶۳) تفسیر کاشف، تهران، جلد‌های ۲، ۳ و ۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ستری، محمد تقی (۱۴۱۰ق) قاموس الرجال، قم، ج ۱، مؤسسة النشر الاسلامی.
- حجازی، محمد محمود (۱۹۸۲م) التفسیر الواضح، بیروت، دار الکتب العربی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ق) معجم رجال الحدیث، بیروت، دارالزهراء.
- خوئی، سید ابوالقاسم (بی‌تا) البیان فی تفسیر القرآن، بی‌جا، انوار الهدی.
- زرکشی، بدرالدین (۱۴۰۸ق) البرهان فی علوم القرآن، بیروت، ج ۱، دارالفکر.
- زنجانی، ابوعبدالله (۱۴۰۴ق) تاریخ القرآن، تهران، منظمة الإعلام الاسلامی.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۶ق) تناسق الدرر فی تناسب السور، دراسة و تحقیق، احمد عطا، عبدالقادر، بیروت، دارالکتب اللبنانیة.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (بی‌تا) الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، ج ۱ و ۲، دار و مکتبة الهلال.
- شریعتی، محمد تقی (بی‌تا) تفسیر نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صالح، صبحی (۱۳۶۸ش) مباحث فی علوم القرآن، قم، انتشارات الشریف الرضی.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۲) درس‌هایی از علوم قرآنی، چاپ اول، قم، انتشارات زائر.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۲ق) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، مؤسسة اسماعیلیان.
- طبرسی، ابوعلی بن الحسن (۱۴۰۸ق) مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، جلد‌های ۲، ۳، ۴ و ۶، دارالمعرفة.
- فخر الرازی (۱۴۱۱ق) التفسیر الکبیر، بیروت، ج ۲۵، دارالکتب العملیة.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴) پژوهشی در نظم قرآن، چاپ اول، جهاددانشگاهی.
- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، بیروت.
- قهبائی، مولی‌عنایه‌الله (بی‌تا) مجمع الرجال، قم، ج ۱، مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان.
- مصطفی مسلم (بی‌تا) مباحث فی التفسیر الموضوعی، دمشق، دارالقلم.